حمله موتورسواران مسلح به «هانی کرده»

هانی معروف به هانی کرده که چندین بار به خاطر شرارت از سوی پلیس امنیت تهران دستگیر شده بود، در جریان درگیری خیابانی به شدت مجروح شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۰ شب دوشنبه هانی و مرد دیگری داخل یک خودروی پژو ۲۰۶ در حال خوردن آبمیوه بودند که راکبان دو موتورسیکلت در مقابل آن توقف کرده و با چاقو و قمه به سمت هانی حمله کرده و او را به شدت مجروح کردند. عابران که شاهد این درگیری بودند با پلیس و اورژانس تماس گرفته و موضوع را خبر دادند، اما ضاربان قبل از حضور ماموران کلانتری از محل گریختند. هانی توسط امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل شد که پزشکان تلاش برای نجات جان او را آغاز کردند. در حال حاضر وضعیت او وخیم اعلام شده و در بخش مراقبت های ویژه بستری است.
مرکز اطلاع رسانی پلیس تهران با تائید این موضوع اعلام کرد؛ تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری عاملان این درگیری ادامه دارد.



قتل در خانه پدری

معلم بازنشسته با صحنه‌سازی سعی داشت مرگ دخترانش را گازگرفتگی نشان دهد

معصومه ملکی
گروه حوادث

معلم بازنشسته که در پی اختلاف خانوادگی، با مسموم کردن دو دختر جوانش آنها را به قتل رسانده و با صحنه‌سازی می‌خواست مرگ آنها را گازگرفتگی نشان دهد بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۷ صبح دوشنبه دوم دی امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و خبر داد که دختر ۱۹ و ۲۱ ساله خانواده همسایه‌شان که در طبقه دوم ساختمانی در محله آذربایجان، بن‌بست مظاهری زندگی می‌کنند، به طور مشکوکی فوت شده‌اند.
بعد از این تماس، ماموران کلانتری جامی با حضوردر محل حادثه مشاهده کردند که مرد و زنی میانسال در داخل خانه گریه می‌کنند و می‌گویند دو دخترشان فوت شده است. این زوج در تحقیقات اولیه گفتند: ما شب گذشته خانه نبودیم و امروز که به خانه بازگشتیم، با جسد دو دخترمان که در اتاق نشیمن و در چند قدمی هم درازکش افتاده بودند روبه‌رو شدیم. آنها نفس نمی‌کشیدند و با اورژانس تماس گرفتیم و با سر و صدا و جیغ و فریادمان همسایه‌ها متوجه مرگ آنها شدند.
گمان می‌کنیم آنها بر اثر نشت گاز بخاری فوت شده باشند. ماموران موضوع مرگ مشکوک این دو دختر جوان را به ساسان غلامی بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش کردند. در این مرحله ماموران کلانتری به تحقیقات از زن و مرد میانسال ادامه دادند که متوجه ضد و نقیض‌گویی آنها و دستپاچگی و رنگ پریده‌شان شدند. همین سرنخ کافی بود که ماموران احتمال دهند آنها رازی را در دل خود پنهان می‌کنند. در تحقیقات بعدی ماموران موضوع مرگ مشکوک آنها را به آتش‌نشانی گزارش دادند که آنها با حضور در محل و بررسی این خانه متوجه شدند نشت گاز در خانه وجود نداشته است. همین سرنخ کافی بود که پلیس با این فرضیه روبه‌رو شود که به احتمال قوی این دوخواهر به قتل رسیده باشند. بنابراین از زوج میانسال به‌طور جداگانه تحقیق کردند تا این‌که بعدازظهر دوشنبه پدر خانواده سکوت خود را شکست و به قتل دو دخترش اعتراف کرد. او در همان صحنه جنایت با دستور بازپرس جنایی بازداشت شد و برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد. متهم میانسال که معلم بازنشسته است و همراه دو دخترکشته شده و همسرش در این خانه اجاره‌ای زندگی می‌کردند، درباره نحوه قتل و انگیزه‌اش ازقتل دو دخترش گفت: مدتی بود که با دو دخترم دچار مشکلات خانوادگی شده بودم و حتی چند بار هم بابت رفتارهایشان به آنها تذکر داده و دخترانم را نزد روانپزشک بردم. اختلاف و درگیری خانوادگی‌مان با دو دخترم ادامه داشت تا این‌که عصبانی شدم و چون از دست آنها خسته شده بودم، تصمیم گرفتم هردویشان را به قتل برسانم.
وی مدعی شد: آن شب در شربت قرص‌های خواب‌آور و متادون ریختم و به دخترانم دادم که بعد از خوردن آن بیهوش شده و جانشان را از دست دادند، بعد همسرم متوجه ماجرا شد و خیلی گریه کرد. برای این‌که راز این جنایت پنهان بماند، تصمیم گرفتیم، وانمود کنیم که آنها بر اثر گازگرفتگی فوت شده‌اند.
با اعتراف وی، مادر خانواده نیز در جریان تحقیقات پلیسی گفته‌های شوهرش را تایید‌کرد.
برای مرد میانسال به اتهام مباشرت در قتل عمدی دو دختر جوانش قرار بازداشت موقت صادر شد و او برای تحقیقات تکمیلی از سوی بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران در اختیار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.



محل قتل دو خواهر در طبقه دوم

روایت همسایه‌ها

مکث

صاحبخانه این زوج میانسال به خبرنگار جام‌جم گفت: دو ماه پیش واحد شماره ۳ که در طبقه دوم بود را به مرد میانسالی که می‌گفت معلم بازنشسته است اجاره دادم که می‌گفت دو دختر دارد که یکی از آنها دانشجو است. بعد از مدتی فهمیدم او دختر دیگری دارد که با آنها زندگی نمی‌کرد. ساعت ۷ صبح بود که صدای فریاد و گریه‌های مادر خانواده را شنیدیم که می‌گفت خدایا دخترانم فوت شده‌اند. از خانه‌مان بیرون آمدیم و همراه چند نفر از همسایه‌ها به مقابل خانه‌اش رفتیم. مادر خانواده مدام در داخل خانه راه می‌رفت و گریه می‌کرد. همسرم حتی نزد این زن رفت و سعی می‌کرد آرامش کند. همان موقع مادر آن دو دختر فوت شده به همسرم گفته بودند که آنها دچار گازگرفتگی شده و فوت کرده‌اند. بعد از طریق ماموران متوجه شدیم که پدر خانواده هردویشان را به قتل رسانده که به‌شدت شوکه شدیم و باورمان نمی‌شد که این مرد آرام، دست به قتل زده باشد.
یکی از ساکنان ساختمان هم گفت: ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد دوشنبه بود که متوجه سر و صدا و کوبیده شدن پا روی زمین شدم و بعد از دقایقی صدا قطع شد. گمان کردم شاید یک دعوای خانوادگی بوده که پایان گرفته است. صبح زود متوجه مرگ دختران آنها شدم.

> مرد میانسال بعد از قتل دو دخترش با قرص سعی داشت با صحنه‌سازی ماجرا را گازگرفتگی نشان دهد اما تناقض‌گویی‌هایش راز قتل را فاش کرد

قتل اشتباهی دوست صمیمی به جای دزد

مرد نگهبان که با شنیدن سروصدا در باغ ویلایی شهریار گمان می‌کرد سارق آمده با چوبدستی به وی حمله کرد که اشتباهی باعث مرگ ناخواسته دوستش شد.
به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روز ششم مهر امسال مردی به پلیس شهرستان شهریار در غرب استان تهران خبر داد که جسد مرد جوانی در بیابان‌های منتهی به ساختمان نیمه‌کاره‌ای در محله وحیدیه افتاده که ماموران اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی غرب استان تهران برای بررسی موضوع در آنجا حاضر شدند.
بررسی‌ها نشان می‌داد که ساعاتی از مرگش گذشته و بر اثر اصابت جسمی سخت به ناحیه سر به قتل رسیده است. مقتول مدارکی همراه نداشت که هویت او مشخص شود، بنابراین جسد مجهول‌الهویه به پزشکی قانونی منتقل شد. ساعاتی بعد از کشف جسد، مردمیانسالی همراه دختر جوانی به پلیس آگاهی غرب استان تهران آمد و گفت: در خانه بودم که دختر مورد علاقه پسرم هراسان و در حالی که گریه می‌کرد به خانه‌مان آمد و اعلام کرد که همراه پسرم به خانه باغی که دوست پسرم در آنجا نگهبان است رفته بودند که ناگهان مرد نگهبان وی را با چوبدستی مصدوم کرده و دختر جوان بادیدن این صحنه ترسیده و فرار کرده، اما نمی‌داند چه بلایی سر پسرم آمده است.
پس از این شکایت ماموران از مرد میانسال خواستند که در پزشکی قانونی حاضر شود و جسد کشف شده را ببیند که با دیدن جسد پسرش را شناخت.
همزمان با تایید هویت مقتول روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. ماموران اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی غرب استان تهران در محل درگیری حاضر شدند که معلوم شد گفته‌های پدر مقتول و دخترجوان صحت دارد و رد لکه‌های خون در آنجا وجود دارد. پلیس اطراف را جست‌وجو کرد، اما ردی از مرد نگهبان ۲۵ ساله به دست نیامد و او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و با گذشت ۸۶ روز از این جنایت مخفیگاه متهم شیشه‌ای در ساختمانی در محله مسگرآباد تهران شناسایی شد و او شامگاه دوم دی امسال بازداشت شد.



فرهاد دیروز برای تحقیقات به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران نزد بازپرس محمدتقی شعبانی منتقل شد. متهم جوان در جریان تحقیقات قضایی گفت: مقتول دوستم بود و هرازگاهی به خانه باغی که من سرایدارش بودم، می‌آمد. آن شب من در اتاق سرایداری باغ بودم که سر و صداهایی از داخل باغ شنیدم، به گمان این‌که فردی برای سرقت در حال وارد شدن به باغ است، وارد محوطه آنجا شدم که سروصدای بیشتری را شنیدم، وحشت کردم و از روی ترس چوبدستی را به میان درخت‌ها پرتاب کردم که صدای ناله آمد. وقتی به آنجا رفتم با دوستم روبه‌رو شدم. ناله می‌کرد و به سمت خانه‌شان رفت. روز بعد متوجه مرگش شدم و از ترس فرار کردم.
با توجه به این‌که جنایت در شهرستان شهریار رخ داده بود پرونده با نبود صلاحیت رسیدگی به دادسرای شهریار ارسال شده و متهم به بازداشتگاه پلیس آگاهی غرب تهران منتقل شد.

محاکمه عروس ایرانی به اتهام قتل شوهر عراقی



دختر جوان که با شلیک مرگبار، شوهر میانسال خود را از پای درآورده بود، روز گذشته در دادگاه کیفری محاکمه شد. در حالی که دادسرا اعلام کرده بود اولیای دم با دریافت دیه میلیاردی رضایت داده‌اند، اما هنوز رضایت‌نامه به دادگاه ارسال نشده و به اتهام قتل محاکمه شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، اردیبهشت سال ۹۶ گزارش کشف یک جسد در یکی از کوچه‌های محله قلهک به اطلاع ماموران پلیس رسید. پس از حضور ماموران در محل مشخص شد، مقتول بر اثر اصابت چهار گلوله از پای درآمده است. بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه مشخص کرد قاتل مرد میانسال، همسر ۲۴ ساله او به نام ترانه است.
متهم بعد از دستگیری به قتل اعتراف کرد و گفت: «من و همسرم با هم اختلاف داشتیم و او گفته بود که من و پدر و مادرم را با همین سلاح می‌کشد. برای همین روز حادثه وقتی دوباره بحثمان شد با سلاح خودش او را از پای درآوردم. بعد هم سلاح را در یک باغچه در کوچه دفن کردم.»
با اعتراف متهم ۲۴ ساله به قتل همسرش، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و این در حالی بود که فرزندان مقتول به عنوان اولیای دم اعلام کردند به شرط دریافت یک میلیارد تومان از قصاص گذشت خواهند کرد.
روز گذشته محاکمه متهم در شعبه دهم دادگاه انجام شد. در حالی که تلاش وکیل شاکی و متهم برای مصالحه بین طرفین ادامه داشت، اولیای دم در دادگاه حاضر نشدند.
متهم در دفاع از خودگفت: «همسرم اهل عراق و لیدر مترجمان پزشکانی بود که برای انجام کارهای بیمارستانی به ایران می‌آمدند. با این‌که همسر و چهار فرزند داشت، از من خواستگاری کرد و من قبول کردم که با او ازدواج کنم و صاحب دو فرزند شدم. اختلاف بین ما خیلی شدید بود و چند بار به حدی مراکتک زد که همسایه‌ها وساطت کردند. روز حادثه از من خواست سلاحی را که از سلیمانیه عراق خریده بود برایش ببرم، اما در خیابان با هم بحثمان شد و به او شلیک کردم.»
متهم در حالی که اشک می‌ریخت و اظهار ندامت می‌کرد در دفاع از خود گفت: «از کرده خودم خیلی پشیمانم و از این‌که خانواده همسرم با بزرگواری با من رفتار کردند خیلی شرمنده شده‌ام.»
قاضی از وکلای طرفین پرونده درخواست کرد به‌زودی تکلیف دادخواست اولیای دم را تعیین کنند و در صورت ایجاد مصالحه آن را به دادگاه اطلاع دهند.
رای دادگاه بعد از اعلام درخواست اولیای دم صادر خواهد شد.

زن جوان در دادگاه اعترافاتش را پس گرفت

قتل شوهر بعد از ارتباط پنهانی با مرد افغان

زن جوان که متهم است با همدستی یک مرد افغان، همسر خود را به قتل رسانده روز گذشته در دادگاه اتهام خود را انکار کرد. این در حالی است که متهم اصلی پرونده متواری است.
به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به پرونده قتل مرد جوان که در خانه خود در شهریار با ضربات چاقو از پای درآمده از اواسط سال ۹۳ در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت. در تحقیقات اولیه پلیس ضدونقیض‌گویی‌های همسر مقتول، ظن ماموران را به او زیاد کرد و او تحت بازجویی قرار گرفت و بالاخره به قتل همسرش با همدستی مردی افغان به نام قادر اعتراف کرد و گفت: «چند وقت قبل با یک جوان افغان ارتباط دوستی داشتم، اما او به افغانستان رفت و از آنجا یک بار هم به من زنگ زد. چند وقت بعد فردی به نام عاطف با من تماس گرفت و گفت شماره من را از همان جوان گرفته و با هم طرح دوستی ریختیم. بعد به من گفت برای این‌که با هم باشیم باید شوهرم را از سر راهم بردارد. برای همین شب حادثه با نقشه قبلی وارد خانه‌ام شد و شوهرم را با ضربات چاقو از پای درآورد.»
متهم ردیف اول بعد از قتل متواری شد و پیگیری پلیس برای دستگیری او بی‌نتیجه ماند. به این ترتیب رسیدگی به پرونده با حضور متهم ردیف دوم روز گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران انجام شد.
در ابتدای جلسه کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرای جنایی توسط نماینده دادستان قرائت شد که مطابق آن زن جوان متهم به معاونت در قتل همسرش شد.



فرزندان قاتل و پدر و مادر او به عنوان اولیای دم پرونده شکایت خود را در دادسرا علیه متهم ثبت کرده‌اند.
متهم در جلسه دادگاه اتهام خود را انکار کرد و در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول ندارم. من عاطف را نمی‌شناختم و فقط یک بار او را در خانه‌مان کنار همسرم دیده بودم. او با همسرم دوست بود. یک بار دیدم با همسرم در حال دفن کردن یک پلاستیک مشکی در باغچه هستند. از همسرم پرسیدم آن چیست و همسرم گفت کاری نداشته باش، داریم سیب‌زمینی می‌کاریم. شب حادثه عاطف را با دست خونین در اتاق دیدم. گفت، بسته‌ای به همسرت امانت دادم، اما به من پس نمی‌داد و من او را کشتم. بعد هم گفت، اگر پنج انسان فاسد را بکشم به بهشت می‌روم و برای این‌که شوهرت فاسد بود، او را کشتم.»
قاضی: «اما تو در اظهارات قبلی به معاونت در قتل همسرت و برقراری ارتباط نامشروع با عاطف اعتراف کرده بودی؟»
متهم: «من بعد از دستگیری خیلی ترسیده بودم و این حرف‌ها را از روی ترس زدم.»
قضات دادگاه بعد از شنیدن اعترافات متهم و وکیل او برای صدور رای وارد شور شدند.

تلنگر

دختر ۱۳ ساله، منجی بیماران



یک اتفاق پیش‌بینی نشده باعث شد رقیه ۱۳ساله دچار حادثه‌ای مرگبار شود و خانواده او برای این‌که نام دخترشان برای همیشه جاودان بماند، تصمیم گرفتند اعضای بدن او را به چند بیمار نیازمند اهدا کنند.
۲۷ آذر امسال وقتی رقیه از مدرسه به خانه بازگشت، دچار رنگ پریدگی شده بود و علت آن را خوردن شیر و کیک اعلام کرد. او و مادرش موضوع را چندان خطرناک ندانستند، اما ماجرا به اینجا ختم نشد و غروب همان روز اتفاق ناگواری رخ داد.
مادر رقیه گفت: چند ساعتی که گذشت دخترم حالش بدتر شد و حالت تهوع شدیدی گرفت. او را به بیمارستان امام سجاد شهریار بردیم. در بیمارستان از ما درخواست کردند از سر رقیه عکس بگیریم، اما شب مرخص شد.
زن جوان ادامه داد: نیمه‌های همان شب دختر کوچکم مرا از خواب بیدار کرد و گفت رقیه دست و پایش سرد شده و تکان نمی‌خورد. دخترم رنگ به صورت نداشت و هرچه صدایش کردم هیچ پاسخی نداد. او را به بیمارستان بردیم. وقتی پزشکان رقیه را معاینه کردند گفتند ضریب هوشیاری پایین آمده و دخترک دچار مرگ مغزی شده است.
مادر رقیه گفت: پزشکان گفتند او دچار مسمومیت دارویی شده و به همین خاطر مرگ مغزی شده است.
مادر رقیه که این روزها لباس عزای دخترش را پوشیده، در ادامه گفت: در بیمارستان به ما پیشنهاد اهدای اعضای دخترم را دادند. حدود دو سال پیش بود که یکی از اقوامان رضایت داد اعضای بدن فرزندش به بیماران نیازمند اهدا شود. همان فامیلمان تماس گرفت و گفت هرچه زودتر رضایت بدهید. او گفت من کمی دیر این کار را انجام دادم و متاسفانه قلب پسرم شرایط اهداشدن را از دست داد و اگر کمی زودتر تصمیم نهایی را می‌گرفتم همین حالا قلب فرزندم در سینه یک جوان دیگر می‌تپید. همان موقع اعلام کردم هرکدام از اعضای بدن دخترم را که قابلیت اهدا دارد، اهدا می‌کنیم.
به این ترتیب با اعلام رضایت خانواده، رقیه ۱۳ساله به بیمارستان سینای تهران منتقل شد تا اعضای بدن او به چند بیمار نیازمند اهدا شود.
دکتر ساناز دهقانی، رئیس واحد فراهم آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینای تهران گفت: با تلاش چندساعته متخصصان کلیه‌ها و کبد او به سه بیمار نیازمند اهدا شد.

قتل مرد جوان بعد از خروج از خانه

مرد جوان وقتی از خانه‌شان در دهدشت بیرون رفت، فکر نمی‌کرد با ضربه‌های مرگبار چاقو از پای درمی‌آید. پلیس در جست‌وجوی عامل این جنایت و رازگشایی از قتل اوست.
جهان دیماز، فرمانده نیروی انتظامی کهگیلویه به ایرنا گفت: دو روز پیش خانواده‌ای با حضور در پلیس آگاهی شکایتی مطرح کردند، مبنی براین‌که پسرشان که ساکن دهدشت است از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته است. تحقیقات برای یافتن وی ادامه داشت تا این‌که عصر روز بعد جسد مرد ۳۰ساله که در تپه‌های خارج از شهر دهدشت رها شده بود کشف شد. آثار ضرب و جرح روی بدن او وجود داشت که نشان می‌دهد به وسیله سلاح سرد به قتل رسیده است.

مرگ خاموش در چادر مسافرتی

پسر ۱۸ ساله از اهالی روستای ده‌شیب شهرستان راور بر اثر گازگرفتگی در چادر مسافرتی فوت شد.
سیدمحمد صابری، رئیس مرکز اورژانس دانشگاه علوم پزشکی کرمان به ایرنا گفت: پسر ۱۸ ساله راوری صبح سه‌شنبه سوم دی امسال به دلیل استفاده از زغال به منظور گرم کردن چادر مسافرتی محل اقامتش و نقص در سوخت زغال دچار مسمومیت با گازگرفتگی شده و فوت کرده است.